

## گلاب آدینه: ما تا چه حد می‌توانیم برای دیگران نسخه بپیچیم و آیا نسخه‌های ما برای همه گروه‌های نمایشی، کاربرد دارد؟!



کارش گفت: «از مردم عادی اصلاً انتظاری ندارم. البته از هیچ کس انتظاری ندارم ولی به مردم عادی که کارشان هنر نیست، خرده‌ای نمی‌گیرم اما از دوستان تئاتری‌مان تعجب می‌کنم. از سال ۱۹۶۱ که روز جهانی تئاتر نامگذاری شد، تا همین حالا تمام بزرگان تئاتر جهان که پیام روز جهانی تئاتر را نوشته‌اند، همه از مزایا و فواید تئاتر نوشته‌اند ولی در هیچ یک از پیام‌های آنان، یک مورد نمی‌بینید که درباره اجرا نشدن تئاتر در شرایط خاص مانند زمانی که ظلمی اتفاق می‌افتد یا به هنگام جنگ و تهاجم و... توصیه کرده باشند. از سال ۱۹۶۱ تا به حال که جهان گل و بلبل نبوده، در همین مدت چقدر جنگ‌ها، کشتارها و انواع و اقسام بلایای اجتماعی رخ داده و هر سال بر اساس آن واقعه، پیام روز جهانی تئاتر را نوشته‌اند اما در هیچ یک از این پیام‌ها گفته نشده تئاتری‌ها وقتی ظلمی می‌بینید، دست از کار بکشید.»

او بعد از انعکاس انتقاد منتقدین خشمگین با اشاره به همیشگی بودن سنت سانسور توسط دولت‌ها و حکومت‌ها در زمان‌های مختلف خاطرنشان کرد: «هرگز در ایران شرایط برای کار هنری ایده‌آل نبوده و آنان همیشه در هر شرایطی کار کرده‌اند تا ریشه هنر خشک نشود! فراق از اینکه مردم نه به هنر بهایی می‌دهند و نه به ریشه‌های بیرون مانده از خاک آن و این رسم جاهلیت نفاق است نه رسم سازنده نقدا!»

آدینه در ادامه واکنش‌هایش در مطبوعات به نتیجه همراهی با اغتشاشات و گرفتن مجوز مردمی اجرا رسید تا جایی که از یکی از رؤیاهای خود بلند بلند سخن گفت: «در آرزوی روزی هستم که جهانیانی که طرفدار و ستایشگر شجاعت و جسارت مردم ما هستند، ببینند مردم ایران همان‌طور که اعتراض و دادخواهی می‌کنند، هر شب سالن‌های تئاترشان را هم پر از تماشاگر نگه می‌دارند. ببینید چه زیبا خواهد بود که در عین اعتراض و حق طلبی، فرهنگ و هنر در کشورمان متعالی و تئاتر و موسیقی و نمایشگاه‌های هنری‌مان برقرار باشد!»

**انتقام با بر سر زبان‌ها انداختن حواشی مگوی شخصی!**  
به به و چه چه زدن از جنبش بی‌فایده بود! گلاب آدینه هم در برابر بدترین تهمت‌ها و ناسزاها مقاومت می‌کرد و هم استقبال از خرید بلیت و پر شدن سالن را رفتاری دوگانه می‌دید! بنابراین به چند دستگی تماشاچیان اشاره کرد و با بیان آنکه «تعطیلی تئاتر و موسیقی خواسته قلبی دشمنان هنر بوده است و فرصت این شادی از سوی من، برای ایشان محقق نخواهد شد» اجرای تئاترش را ادامه داد.

اما در کمال ناباوری متوجه شد، قبل از آنکه تمام حواشی مگوی زندگی شخصی خود و اطرافیانش با جزئیات و داستان‌های درست یا غلط جنسی بر سر زبان‌ها فریاد زده بشود باید هنر والای انتقادی را فدای آبروی شخصی و فریادهای استبدادی کند! منتقدین تا آنجا پیش می‌روند که کشف حجاب گلاب آدینه باز یگر تئاتر و سینما و تلویزیون تیر چنگالی بشود! تا دلیل بر همراهی این بانوی هنرمند با نحوه اعتراض باشد. خواهری گلاب آدینه با جنبش زنانه ثابت می‌شد اما اجرا به صحنه باز نگشت، زیرا بی‌هنری اجباری و سکوت و سکون اجباری مهم‌تر از برداشت حجاب آدینه و زنان دیگر بود و اصلاً این جنبش درباره زنان نبود فقط با آنها و از آنها شروع شد! در آخر این نکته را باید خاطر نشان کرد که در واقع انقلاب‌ها اصالتاً مردمی و انتقادی و ضروری بوده‌اند و اگر انقلابی به ضرب زور فحاشی جنسی پیش رفت باید ریشه‌های آن را نه در فرهنگ که در فاضلاب جست‌وجو کرد!

### حکم به اعتصاب اجباری!

یک ماه قبل از اجرا، نشانه‌هایی از اعتراض به اجرای پرده خانه بی‌پرده در صفحات مجازی آغاز شد؛ از نپرداختن پول به برخی بازیگران و هزینه بالای بلیت تا انتقاد از سیگار کشیدن یا همان گیر دادن گلاب آدینه به دختران جوان بازیگر سیگاری تئاتر. نصایح مستبدانه! گلاب آدینه درباره سیگار برای سلامتی و سعادت مضر است! حواشی زیادی را به‌وجود آورد تا جایی که به «اعتصاب کن!» اجباری رسید! آدینه در مصاحبه با مطبوعات به تک‌تک حواشی‌ها با حوصله جواب داد! و تأکید کرد: «خیالتان راحت اعتصاب نمی‌کنم!»

و اما حواشی، توسط چه کسانی هدایت می‌شد؟ مشخص نبود! اما صدای آن از صفحات مجازی و گلوئی نازک دختران جوان و نوجوان اطراف آدینه برمی‌خاست! همان‌ها که آدینه سعی در تربیت و تدارک آنها در ورود به صحنه بازیگری داشت! هم‌زمان با بازی در نمایش آدینه، بازی در نمایش دیگری ضد آدینه را پذیرفته بودند!

تحریف کامل واقعیت، آدینه را وادار به مصاحبه بیشتر و توضیح شرایط کرد. اما بیج‌ها و زمزمه‌ها تبدیل به تهدید و فحاشی و اعتراض شد. رودریستی‌های زنانه و مردانه با بانوی فرهیخته و با به سن گذاشته و محترم تئاتر و سینما کنار گذاشته شد!

### انتقاد به نسخه پیچی عمومی!

تا جایی که آدینه مجبور به صحبت با پاید‌ها و نیاید‌ها شد. او گفت: «به پاید‌ها و نیاید‌ها درباره اجرای تئاتر در شرایط فعلی رسیده‌ایم. بعضی از هنرمندان تئاتر کار کردن در وضعیت فعلی را جایز نمی‌دانند و تعدادی دیگر برعکس معتقدند که اتفاقاً نباید صحنه را خالی کرد. هر دو گروه برای خود دلایلی دارند ولی آنچه در این میان کمتر به آن توجه شده، این است که ما تا چه حد می‌توانیم برای دیگران نسخه بپیچیم و آیا نسخه‌های ما برای همه گروه‌های نمایشی، کاربرد دارد!» افرادی که رودریستی را با آدینه کنار گذاشته بودند، متوجه شدند او هم همین کار را کرده و علاوه بر کنار گذاشتن رودریستی، مصرانه قصد اجرای تئاترش را دارد.

آدینه که جزو گروه معتقد به اجرای تئاتر بود در ادامه به حجم زیادی از فحش‌ها و ناسزاها و تهدیدهای دریافتی اشاره کرد و گفت: «عزیزان من، شروع نارضایتی‌های مردم اصلاً به دلیل همین پاید‌ها و نیاید‌ها بوده است. مردم از این باید و نیاید‌ها عاصی شده‌اند و حالا ما همین رفتار را در حق یکدیگر انجام می‌دهیم! در این مدت بعضی برای من قاطعانه حکم کرده‌اند که این تئاتر نباید اجرا شود. البته هستند کسانی که با برشمردن دلایلی، محترمانه توضیح می‌دهند الان تئاتر کار کردن، جایز نیست یا نادرست است. ولی این ادبیات که «من نمی‌گذارم...» ما نمی‌گذاریم. نباید اجرا شود» در پاسخ به این ادبیات باید بگویم الان شمایی که این جملات را نوشته‌ای، با کسی که اجبارهای اجتماعی را در سطح جامعه ایجاد کرده، چه تفاوتی دارید؟!»

### حمله با فحش رکیک!

آدینه تا قبل از به هم خوردن و توقف اجرا توسط برخی از تماشاچیان، باورش نمی‌شد که می‌توان گفت و گورا با فحش رکیک متوقف کرد و به فضای ذاتی گفت و گو در تئاتر هجوم برد! تا جایی که بعد از به هم خوردن و توقف

# توقف «اجباری» یک تئاتر با چماق معترضان!

نگاهی بر حواشی نمایش «پرده خانه» به کارگردانی گلاب آدینه

زهرا آرمان  
روزنامه‌نگار

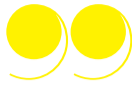
سال گذشته، گلاب آدینه؛ صاحب کارنامه چهار دهه فعالیت در تئاتر و سینما با نمایش «بانوی محبوب من» به صحنه رفت. استقبال مردم و لبریز بودن سالن از تماشاچیان در حین اجرا، او را تشویق به تدارک و تمرین برای به صحنه بردن آرزوی همیشگی خود «پرده خانه» کرد. گلاب آدینه، پیش‌تر، نمایش‌هایی چون «سلطان مار» و «مرگ یزدگرد» از آثار بهرام بیضایی را هم به صحنه برده بود. بیضایی در اکثر آثارش به زن و فضای پیرامون او در جامعه می‌پردازد و نقش زن را در اتمسفر محیط خود نقشی تأثیرگذار و پویا می‌داند.

«پرده خانه» ماجرای حرمسرای سلطان خوشگذران و مستبدی است که نوعروس جدیدش، زنان حرمسرا را به فکر اعتراض و انتقام می‌اندازد. یعنی نوعی شورش جنسی زنانه علیه حاکم مستبد جنسی! بر سر تقسیم بذل و عتاب همایونی، او جان به سر شدن زنان فراموشخانه سلطانی! تمرین از ابتدای سال ۱۴۰۰ با بیش از ۵۰ هنرمند تئاتر و موسیقی آغاز شد. بعد از ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها تمرین با بازیگران پرتعداد و پیش تولید پر هزینه و پر از هیاهو و رفت و آمد و تهیه لباس و آکسسوار و صحنه... و بعد از بلیت فروشی عالی در روزهای کساد هنر، به ناگهان به مدت سه روز متوقف شد. ولی نه به دست نهادهای اجباری! بلکه با چماق معترضان اهالی تئاتر!

جریان از این قرار بود: تابستان گذشته با اعتراض و اغتشاش گره خورد و گلاب آدینه از حال و هوای جامعه دور نبود اما برای به صحنه بردن نمایش خودش، اتفاقاً شرایط خیزش زنان حرمسرای شاهی پرده خانه را متناسب با شرایط خیزش زنان جامعه و در راستای «زن محوری» حرکتی برجسته، می‌دانست!

او با تکیه و تأکید بر شعار «قشر فرهیخته و فرهنگی تئاتر همیشه زبان اعتراض جامعه بوده و زبان آخته انتقاد را در نیام فاخر هنر نگه می‌دارد» در کشاکش روزهای جنبش به ظاهر زنانه، تئاتر زن محورش را با عزمی جزم‌تر آماده کرد!

تصور آدینه از اجرای نمایش پرده خانه و تناسب آن با جایگاه دیالکتیک و مؤثر زنانه، استقبال از آن بود و بارها با تأکید بر همین مورد که «پرده خانه درباره زنانی که برای احقاق حقوق خود وارد عمل می‌شوند» انتظار کف و جیغ و هورا داشت، نه فحش و ناسزا!



تمرین از ابتدای سال ۱۴۰۰ با بیش از ۵۰ هنرمند تئاتر و موسیقی آغاز شد. بعد از ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها تمرین با بازیگران پرتعداد و پیش تولید پر هزینه و پر از هیاهو و رفت و آمد و تهیه لباس و آکسسوار و صحنه... و بعد از بلیت فروشی عالی در روزهای کساد هنر، به ناگهان به مدت سه روز متوقف شد. ولی نه به دست نهادهای اجباری! بلکه با چماق معترضان اهالی تئاتر!

